



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Study of Epic Motifs in Poetic Historical Epics

M. Merikhi*, M. Modabberi, M. Sadegh Basiri

Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 24 October

Reviewed: 25 November 2020

Revised: 09 December 2020

Accepted: 27 January 2021

KEYWORDS

motif, epic, war, tact,
tactic, covenant, message

*Corresponding Author

✉ merikhi@ens.uk.ac.ir

☎ (+98 34) 32214473

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Motif is one the most important elements in consolidating narratives. It can affect the narrative both structurally and syntactically and due to repetition creates beauty, attraction and semantic salience in narrative situations. In epics, too, they are the links between the written epics, most of which are recreating the motifs of earlier works. They can be divided into main titles such as people, events, places, objects, concepts, and several subheadings can be considered for each title. The aims of this research are these: finding high frequency motifs in the selected epics, declaring their similarities and differences and specifying their effects in the processes and results of epics.

METHODOLOGY: Analytical-descriptive in which poetic books such as Ghazan Nameh, GaoonNameh, ZafarNameh, HomayounNameh, SharafNameh and TimurNmeh were studied as the first step. Then their motifs were extracted and the most frequent motifs and their different subclasses were specified and named.

FINDINGS: Motifs like causes of war, tact, tactics, treaty and message are the most frequent motifs of epic-historical works of this research. The motif of war with causes such as malice, Islamophobia, power-seeking and display of power is present in the works with the most frequency. Defensive, deceptive and destructive measures and tactics are applied in various ways such as ambush, corps formation, obstruction, deterrence, intimidation and influence in the enemy corps. Covenants are loyal, protective, coercive, utilitarian, reverse, murderous. Messages fall into the categories of written and oral, prophecy, and sleep.

CONCLUSION: In historical and religious dimensions. The subject of the work, the poet, his worldview and attitude, and his linguistic and expressive creativity have influenced the role of motifs and changed them semantically. It has affected the quantity and manner of their presence and the manner of their use. The motifs, despite the variety of themes, advance the epic narrative and increase the reader's awareness of the causes of war, the reasons for defeat, victory, and the motives of war.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5659](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5659)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 25	 0	 14

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی موتیف‌های حماسی در حماسه‌های تاریخی منظوم

مارینا مریخی*، محمود مدبری، محمدصادق بصیری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: موتیف یکی از مهمترین عناصر قوامبخش در آثار روایی است که از نظر ساختاری و معنایی میتواند بر متن تأثیر بگذارد و بسبب تکرار در موقعیت روایی، زیبایی و جاذبه و برجستگی معنایی ایجاد میکند. موتیف‌ها در حماسه‌ها نیز حلقه‌های ارتباطی بین حماسه‌های سروده شده هستند که بیشتر آنها بازآفرینی موتیف‌های آثار متقدمتر هستند و میتوان آنها را به عناوین اصلی چون اشخاص، حوادث، مکانها، اشیاء، مفاهیم تقسیم کرد و برای هر عنوان زیرعنوانهای متعددی در نظر گرفت. این پژوهش با هدف یافتن موتیف‌های پربسامد در حماسه‌های منتخب و بیان شباهت و تفاوت آنها و اثرگذاری آنها در روند و نتیجه حماسه‌هاست. **روش مطالعه:** پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی در ابتدا با بررسی آثار منظوم منتخب همچون غازان‌نامه، جروان‌نامه، گشم‌نامه، ظفرنامه، همایون‌نامه، شرفنامه و تیمورنامه، موتیف‌ها استخراج شده، سپس پربسامدترین آنها با زیرمجموعه‌های مختلف و نامگذاریهای مربوط بررسی شدند.

یافته‌ها: موتیف‌هایی چون علل جنگ، تدبیر، تاکتیک، پیمان و پیام، پربسامدترین موتیف‌های آثار حماسی - تاریخی پژوهش هستند. موتیف جنگ با عللی چون کینه‌جویی، اسلام‌گستری، قدرت‌جویی و قدرت‌نمایی با بیشترین بسامد در آثار حضور دارد. تدبیرهای حفاظتی، فریبکارانه و مخرب و تاکتیک‌ها به شیوه‌های مختلفی چون شبیخون، سپاه‌آرایی، مانع‌گذاری، مانع‌گشایی، ترس‌افکنی و نفوذ در سپاه دشمن اعمال میشود. پیمان‌ها از نوع وفادارانه، حفاظتی، اجباری، منفعت‌طلبانه، معکوس، و قاتل هستند. پیام‌ها در دسته‌بندیهای مکتوب، شفاهی، پی‌شگویی، و خواب قرار میگیرند.

نتیجه‌گیری: موضوع اثر، سراینده، جهان‌بینی و نگرش او و خلاقیت زبانی و بیانی او در موتیف‌ها تأثیر گذاشته و از نظر معنایی آنها را دچار تحول کرده است و بر کمیت و چگونگی حضور و نحوه کاربرد آنها در بستر تاریخی و مذهبی حماسه‌ها اثرگذار بوده است. موتیف‌ها با وجود تنوع موضوعی، روایت حماسی را پیش می‌برند و آگاهی خواننده را در عوامل بروز جنگ، دلایل شکست، پیروزی، و انگیزه‌های جنگ افزونتر میکنند.

تاریخ دریافت: ۰۳ آبان ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۰۵ آذر ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۹ آذر ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۰۸ بهمن ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

موتیف، حماسه، جنگ، تدبیر، تاکتیک، پیمان، پیام.

* نویسنده مسئول:

merikhi@ens.uk.ac.ir

۳۲۲۱۴۴۷۲ (۹۸ ۳۴) +

مقدمه

ادبیات حماسی انعکاسی از ارزشهای اخلاقی و انسانی، آداب و رسوم قومی و اجتماعی، جهان‌بینی و آیینهای ملی است. اصیلترین حماسه‌ها که حماسه ملی هستند، پیشینه‌ای استانی دارند و از میان اسطوره سر برآورده‌اند و حاصل ناخودآگاه جمعی و تبار یک ملت هستند. حماسه‌ها «میتوانند بیانگر اعمال قهرمانی یک فرد یا یک ملت باشند» (حماسه‌سرایی در ایران، صفا: ص ۴). سرایش حماسه با گذشت قرون دچار تحولات بسیاری شد چنانکه «از قرن ششم به بعد، نظم تاریخ در عرصه حماسه‌سرایی شروع شد، در دوره مغول رونق یافت و در دوره تیموری به رشد و ترقی رسید و تا عصر قاجار ادامه داشت» (تاریخ ادبیات فارسی، اته: ص ۶۲). در حقیقت با حضور ترکان در ایران روح حماسی به مرحله‌ای دیگر کشانده شد و بدنبال نهضت تاریخ‌نگاری، نظم حماسه‌های تاریخی رونق یافت؛ «حماسه‌هایی که براساس بازسازی گذشته تاریخی، به شخصیت‌های تاریخی و رویدادهای واقعی پرداختند و در حماسه‌های تاریخی، حوادث تاریخی یا داستانهای قهرمانی مربوط به افراد تاریخی، به موضوع اصلی حماسه‌ها تبدیل شد» (قلمرو ادبیات، رزمجو: ص ۷۸).

موتیف یکی از مهمترین عناصر قوامبخش روایت‌های سنتی فارسی است. درحقیقت حلقه‌های ارتباطی بین حماسه‌های سروده شده هستند که بیشتر آنها بازآفرینی موتیفهای حماسه‌های متقدمتر است. در فرهنگ اصطلاحات ادبی موتیف را اینگونه توصیف میکند: «یکی از برجسته‌ترین ایده‌ها در اثر ادبی یا قسمتی از ایده اصلی است و ممکن است یک نشانه مخصوص، یک تصویر مکرر یا نمونه لفظی (واژه) باشد» (کادن، ۱۹۷۹). میتوان آنها را به عناوین اصلی چون اشخاص، حوادث، مکانها، اشیاء، مفاهیم تقسیم کرد و برای هر عنوان زیرعنوانهای متعددی در نظر گرفت. این اصطلاح مختص ادبیات نیست. «از موسیقی به ادبیات راه یافته است و در موسیقی برای اشاره به ملودی بکار میرود که در یک قطعه تکرار شود» (گشودن رمان، پاینده: ص ۳۷۳). موتیف در حماسه‌های تاریخی ممکن است در روایتی با همان شکل و مفهوم و همان بسامد تکرار شود و یا ممکن است معنا و مفهوم دیگری به خود گیرد که بکارگیری این عناصر پربسامد و پرتکرار، بستگی به موضوع اثر، سرائنده، جهان‌بینی و نگرش او و خلاقیت زبانی و بیانی او دارد. این عناصر «وقتی تکرار میشوند، حساسیت مخاطب را برمی‌انگیزند و نشان میدهند که معنا و مقصودی پشت این تکرار وجود دارد. این عناصر تکراری ردپا و نشانه‌هایی هستند که دنبال کردن آنها به کشف و درک چیزی ورای متن می‌انجامد» (تقوی و دهقان، ۱۳۸۸).

پیکره مطالعاتی پژوهش حاضر پنج اثر منتخب حماسی - تاریخی منظوم است که هر کدام بسبب اهمیت در محتوا، تعداد ابیات، ارزش ادبی، نا شناخته بودن، یا اثرگذاری بر شاعران پس از خود انتخاب شده‌اند که ضمن داشتن ویژگیهای حماسی، دارای بسامد متفاوتی از موتیفها هستند. بسبب حجم بالای کتابها، به چند کتاب اکتفا شد از جمله *شرفنامه* اثر نظامی در قرن ششم، *همایوننامه* اثر زجاجی در قرن هفتم، *ظفرنامه* اثر حمدالله مستوفی در قرن هشتم، *غازنامه* اثر نوری اژدری در قرن هشتم، *تمرنامه* اثر هاتفی در قرن نهم، *جروننامه* اثر قدری در قرن یازدهم. پژوهش حاضر در پی یافتن موتیفهای مشترک حماسی در آثار منتخب، بیان کمیت و کاربرد معنایی آنها، چگونگی حضور و تغییر و تحول و بیان تفاوت و شباهت در بکارگیری آنها و یافتن برخی از موتیفهاست که به مرور زمان در آثار تاریخی بتبع محتوا و دوره یا عوامل دیگر حذف شده‌اند. در این پژوهش سعی بر این است که موتیفهای پربسامد در حماسه‌های تاریخی موردنظر و تفاوت و شباهت معنایی آنها بررسی شود.

ضرورت و سابقه تحقیق

در حوزه حماسه‌مآلی در برخی پژوهشها به بررسی بنمایه‌ها پرداخته‌اند، اما در حوزه حماسه‌های تاریخی منظوم، از رهگذر بررسی بنمایه‌های حماسی، تاکنون پایان‌نامه یا مقاله‌ای انجام نشده است یا تنها به بررسی یک بنمایه اکتفا شده و چندان بسط داده نشده است. در این قسمت به معرفی برخی پژوهشها در زمینه موتیف در آثار ادبی و حماسی می‌پردازیم.

محمدرضا اسعد (۱۳۸۸) در مقاله «بازتاب خواب و رؤیا در شاهنامه» خواب و بسامدهای آن را بررسی میکند، سپس به دسته‌بندی خوابها می‌پردازد و آن را با مبانی اعتقادی عرفا همگون می‌بیند و سرمنشأ آن را فرهنگ ایرانی و اندیشه اسلامی میداند. مهدی رحیمی (۱۳۸۶) در مقاله «پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه فردوسی» پیمان‌داری را یکی از اصول اخلاقی در شاهنامه فردوسی میداند و به دسته‌بندی پیمانها در شاهنامه می‌پردازد و از لحاظ محتوایی و مکتوب یا غیرمکتوب بودن دسته‌بندی میکند. مریم محمدزاده (۱۳۹۷) در مقاله «انتقام و انگیزه‌های آن در شاهنامه فردوسی و ایلید و اودیسه هومر» انتقام را حلقه ارتباطی حماسه میداند و به یکی از مهمترین بنمایه‌ها یعنی انتقام و انگیزه‌های شکلگیری آن در حماسه‌های مذکور می‌پردازد.

روش مطالعه

پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در ابتدا با بررسی آثار منظوم منتخب، موتیفها استخراج شده، سپس پربسامدترین آنها دسته‌بندی موضوعی شده و به همراه ابیات مرتبط به همراه توضیحات نوشته شده‌اند و در زیرمجموعه‌های مختلف و نامگذاریهای مربوط بررسی شدند. منابع موردنظر از کتابخانه‌ها بصورت حضوری دریافت شده‌اند یا از کتابخانه‌های دیجیتال نور و سایت ایران‌داک تهیه شده‌اند.

بحث و بررسی: موتیفهای حماسی در حماسه‌های تاریخی منظوم

جنگ: یکی از موتیفهای اثرگذار و چندبعدی «جنگ» است که موضوع اصلی و مرکزی شاهنامه و سایر حماسه هاست. با انگیزه‌های درونی و بیرونی مختلف و با توجه به فرهنگ هر قوم و ملتی شکل می‌گیرد و در مسیر تاریخیش تحت تأثیر جریانهای مذهبی و فکری و سیاسی تغییراتی می‌یابد، اما باز هم ماهیت اصلی خود را حفظ میکند. «فردوسی برداشتی عمیق از تاریخ دارد. او همیشه تشکیل قدرت، دوام و زوال آنها، ریشه جنگها، آشتیها و نتایج آنها را بنحوی منطقی ارزیابی میکند» (بیست و یک گفتار درباره شاهنامه و فردوسی، رستگار فسایی: ص ۶۱). انگیزه‌هایی همچون دفاع از وطن و ناموس، عشق‌ورزی به سرزمین ایران، دفاع از تجاوز بدی و غلبه بر آن، کینخواهی و نامجویی و ننگ‌گریزی، نفی بیداد و بدی، رشک و آز و افزون‌طلبی پرورنده جنگها هستند. یکی از علل جنگ در کتب حماسی موردنظر، کینه‌جویی و انتقام از غارتگری دشمن و شورشیان داخلی و خونخواهی است.

علل جنگ

کینخواهی: یکی از موتیفهای پربسامد در حماسه‌ها، کینخواهی است که با کلماتی چون انتقامجویی، کینجویی و خونخواهی عنوان میشود. در طول شاهنامه «کینه‌توزی پاکان از ناپاکان چندان مورداعتماد ایرانیان باستان بوده است که نوازندگان، داستان‌بسیاری از این کینه‌توزیها را با آهنگ درآمیخته‌اند. نغمه‌های کین‌سیاوش و ایرج از

بلندآوازه‌ترین سروده‌های موسیقی ایرانی است» (از رنگ گل تا رنج خار. سرامی: ص ۶۵۰). کینه‌جوییها شخصی یا اجتماعی، درون‌مرزی یا برون‌مرزی، نتیجه‌مند یا بی‌نتیجه است و هدف جبران ضررهای مادی و جسمی وارد شده است تا سبب آرامش خاطر شود. از موارد کینه‌جویی میتوان به انتقام از غارتگری ترکان، قتل‌عام مردم، خیانت معتمدان، باج‌خواهی، کینه‌جویی از تحقیرشدگی و تجاوز دشمنان به مرزها، خونخواهی خانواده، اثمه و خلفا اشاره کرد.

کینه‌جویی اسکندر از غارتگری روسها: پس از بازگشت اسکندر از چین، حاکم ابخاز از غارتگری و کشتار روسها شکایت کرد و از او خواست که انتقام کشتگان را بستاند. پس از نبردهای مکرر اسکندر و سپاه روس بالأخره اسکندر پیروز میدان گشت (شرفنامه: بیت ۱۳-۱۰).

خونخواهی امام حسین (ع): جنگ بین ابراهیم اشتر و عبدالله بن زیاد در گرفت. در نهایت با گریز سپاه ابن زیاد به پایان رسید (همایوننامه، ج ۱: بیت ۹۳-۹۰).

قدرت: قدرت در اسطوره‌ها و حماسه‌ها یکی از عناصر تعیین‌کننده سروری و برتری انسانها بوده است. مردم عادی آن را به ثروت یا نیروی فیزیکی وابسته میدانند. قدرت اشکال گوناگون دارد همچون ثروت، سلاح، حکم دولتی، و تأثیر عقاید. هیچکدام از این اشکال را نمیتوان تابع دیگری دانست و هیچ شکل واحدی ندارد که سایر اشکال را بتوان مشتق از آن شناخت. قدرت در دو وجه فزون‌طلبی و قدرت‌نمایی قابل بحث است.

فزون‌طلبی (سلطه‌جویی، برتری‌طلبی): یکی از عوامل بوجودآورنده جنگها فزون‌طلبی است که به شکلهای مختلفی نمود مییابد، همچون کشورگشایی، دین‌گستری، حکومت‌طلبی و تصاحب تاج و تخت، و باج‌ستانیها که خواننده از هیچ تلاشی فروگذار نیست و برای رسیدن به آن به قتل و غارت نیز دست میبرد. بسیاری از فزون‌طلبیها با انگیزه فردی است که پیامدهایی چون قتل و کشتار بیگناهان را به همراه دارد. برخی از عصیانگریها که قدرت‌نمایی از سطحی پایین‌تر نسبت به بالاتر است، در این دسته قرار دارد. سلطه‌جویی (برتری‌طلبی) در انواع گوناگون کشورگشایی، تسلط‌طلبی، و حکومت‌طلبی (سلطنت‌طلبی، خلافت‌طلبی) در حماسه‌ها دیده میشود. کشورگشایی: حملات پی‌درپی صفاریان سبب شد که معتضد دستور جنگ را صادر کند (همایوننامه، ج ۲: بیت ۴-۱).

تسلط‌طلبی فرنگیان در قلعه گمبرون: هنگامی که نواب‌خان به کرنگ رفت، قلعه گمبرون خالی شد و قوم نصارا جرئت کردند به قلعه حمله کنند (جروننامه: بیت ۱۳-۶).

سلطنت‌طلبی: تکش برادر ملک‌شاه پس از تخت‌نشینی ملک‌شاه، خواستار سلطنت شد و به جنگ برخاست. ملک‌شاه از نیت تکش مطلع شد و با سپاهش بسمت تکش روانه شد و در جنگ، تکش اسیر شد (ظفرنامه، ج ۵: بیت ۱۳۱-۱۲۵).

قدرت‌نمایی: دادستانی و دادخواهی، آشوبگری و ایجاد ناامنی، باجستانی و باج‌خواهی، تسلیم‌ناپذیری و سرکشی، اسلام‌گستری، ظلم‌ستیزی، خیانت و پیمان‌شکنی بعنوان وجوهی از قدرت‌نمایی محسوب میشوند.

دادستانی: فرماندهان و رهبران برای ایجاد نظم به دادخواهی مردم توجه میکردند؛ چراکه آنها میدانستند حضور ظلم خارج از اختیار آنها، نظام حکومتشان را درهم میشکند. افلاطون داد را «نوعی استعداد و تمایل درونی میداند که جلو احساسات و انگیزه‌های وی را که طالب منافع خصوصی هستند میگیرد و بشر را از انجام کارهایی که ظاهراً به نفعش تمام میشوند ولی مورد نهدی وجدانش هستند، باز میدارد» (تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب،

طاهری: ص ۲۲). کفار کوهستان کتور ظلم میکردند و به غارت مال و اموال میپرداختند. مردم به دادخواهی نزد تیمور آمدند و جنگ آغاز شد (تیمورنامه: بیت ۱۸-۱۲).

آشوبگری: قدرت و قدرت‌طلبی همیشه از قدرتمندان به جانب نیروهای پایینتر نیست. گاهی عکس آن است و افراد هنگامی که منافعشان را در خطر میبینند، به مقابله با نیروهای قویتر برمیخیزند یا اعتراض میکنند تا نشان دهند خواستار امتیازاتشان هستند، هرچند انتهای مبارزه را به نفعشان نبینند. اعتراض به حکمت علی (ع): شخصی به نام شیث بن ربیعی با علی به جنگ برخاست و دلیل او اعتراض به حضرت علی در کار حکمین بود و همین سبب جنگ شد (ظفرنامه، ج ۱: بیت ۱۰۴۰-۱۰۳۵).

باج‌خواهی: یکی دیگر از علل رایج لشکرکشیها و جنگها، گرفتن خراج از سرزمینهای تابع و غیرتابع بمنظور کشورگشایی و تسلط بر ممالک بیشتر بود. شاه توران تصمیم به کشورگشایی داشت و از جمله کشورها ایران بود. او خواست از اقلیم ایران باج‌خواهی کند. پس تیمور آماده جنگ شد (تمرنامه: بیت ۷-۳).

سرکشی: عصیان از فرمانها یا برای بیان قدرت یا ظلم‌ستیزی بوده است. قاورد به مخالفت با آلب ارسلان برخاست. هنگامی که قاورد خبر سپاه‌آرایی آلب ارسلان را شنید، تسلیم شد و زنده‌ارخواهی کرد (ظفرنامه، ج ۵: بیت ۱۳۰-۱۲۵).

اسلام‌گستری: بیشتر اوقات با هدف تصاحب ثروت سرزمینها بوده است. عبیدالله بن ابی‌بکر به قصد سرنگونی کفر به هند حمله کرد و خونهای زیادی ریخت و به غارت پرداخت. پادشاه هند و سپاهش، عبیدالله را در حصار گرفتند، اما در نهایت شکست خوردند (همایون‌نامه، ج ۱: بیت ۲۱-۱۷).

ظلم‌ستیزی: بیعدالتی یکی از آسیبهای قدرت است که با زور و ناخواسته بر دیگران تحمیل میشود و افراد به مقابله با آن برمیخیزند. یکی از آنها تجاوز و غارت است. «سنت آگوستین قدرت زمینی را بدون عدالت، در حد زور و اقتدار راهزنان میدانست و بر آن بود که قدرت زمینی سه خدمت را به انجام برساند: نخست خدمت فرماندهی یعنی برقراری نظم و اجرای قاطعانه تصمیمهای درست، دوم خدمت پیش‌بینی، یعنی برآورد و تأمین نیازهای انسانها و سوم خدمت مشاوره یعنی راهنمایی مردم» (اسطوره‌شناسی سیاسی، فکوهی: ص ۳۶۵). پرتقالیان به جزیره قشم لشکرکشی کردند و در آنجا قلعه ساختند. قاضی لار برای بیرون کردن آنها از جزیره، سپاهی ترتیب داد و به جنگ با پرتقالیان رفت. اما تعداد پرتقالیان زیاد بود و سپاه لار نتوانست در مقابل آنها تاب بیاورد (گشم‌نامه: بیت ۱۸-۱۴).

تاکتیکها

یکی از بخشهای مهم جنگ، روشها و فنونی هستند که در موفقیتهای جنگی نقش مهمی دارند و به آنها «تاکتیک» گفته میشود. تاکتیکها یکی از عوامل پیروزی در جنگها هستند که در ارتشهای بزرگ جهان نقش ویژه‌ای دارند. با بررسی نبردهای اصلی و مهم میتوان تصویری از تاکتیکهای هر عصر را بدست آورد و بدین ترتیب میتوان دست به تحقیق و سיעتری زد. در جنگها بهتر است از تاکتیکها بهره برد، زیرا میتوانند سیال، انعطاف‌پذیر، ساده با تحرک بالا و پویا و خلاق و مؤثر باشند. در آثار این پژوهش، تاکتیکها به شکلهای مختلفی در جنگها استفاده شده‌اند. پربسامدترین تاکتیکها در گروههای شبیخون، سپاه‌شکنی، حفاظتی، نفوذی، ترس‌افکنی، سپاه‌آرایی، مانع‌سازی و مانع‌گشایی قرار میگیرند.

شیبخون: شیبخون یک تاکتیک غافلگیرانه است که جنگاوران و سپاهیان بعنوان یکی از گزینه‌های مؤثر انتخاب میکردند و شاید آخرین سلاحی بود که جنگاوران وقتی خود را برای مبارزه رودرو آماده نمیدیدند آن را برمیگزیدند. «شیبخون شایسته دو گروه از مردمان است. یک گروه مردمان دانا و کاردیده و آزموده و گروه دیگر مردمان خردمند و هوشیار و فرمانبردار» (آداب الحرب: ص ۲۹۸). آنچه در شیبخون حائز اهمیت بود، زمان شیبخون، شناسایی دشمن، عملکرد سریع و انتخاب افرادی کاردیده برای انجام آن بود. شیبخونها یا موفقیت‌آمیز هستند یا ناموفق و با انگیزه‌های مختلف چون نجات جان، قلعه‌گیری، تصرف، انتقام، و دسیسه و غارت در گروههای تسلط‌جویانه، تدافعی، انتقامجویانه صورت میگیرند.

شیبخون تسلط‌جویانه: با هدف تسلط و اظهار قدرت بوده است. درحقیقت بر سپاهیان یا افراد شیبخون میزدند تا از آنها امتیازات و منافعی را به‌اجبار کسب کنند یا سرزمینها و موقعیتها را تحت اختیار خود درآورند. علاحضرمی برای سرکوب سرکشهای مرتدان بر آنها شیبخون زد (ظفرنامه، ج ۱: بیت ۶۹۵-۶۹۰).

شیبخون تدافعی: با هدف دفاع از سرزمین و جان مردم انجام میشود و شاید نتیجه‌بخش نباشد، اما هدف این است که توان خود را برای نجات چیزهایی که ارزشمند است صرف کنند. نوروز پس از آگاهی از محتوای نامه و دستور قتل که برای او صادر شده بود، به غازان‌خان بدگمان شد و شبانه بر سپاهش تاخت و تنی چند را اسیر کرد و عده زیادی از سپاهیان غازان‌خان گریختند (غازاننامه: بیت ۷۸۵-۷۸۲).

شیبخون انتقامجویانه: با هدف انتقام از ظلم یا خونخواهی کسی یا برای کینخواهی موقعیت، مقام یا اشخاصی است که از دست رفته‌اند. پس از قتل عکاشه خالد به رزم برخاست و بر سپاه طلیحه اسدی شیبخون زد (ظفرنامه، ج ۱: بیت ۱۵۸-۱۵۰).

سپاه‌شکنی: یکی از تاکتیکهای مؤثر در جنگها بوده که بشکل مستقیم و غیرمستقیم بر سپاه یورش میبردند و سپاه را تضعیف یا مجبور به عقب‌نشینی و گریز و ترک جنگ میکردند. یکی از روشهای تسلط بر سپاه دشمن، حمله به قلب لشکر بود. مصعب برای تضعیف لشکر مختار به جایی که مختار در آنجا قرار داشت، یعنی قلب لشکر حمله کرد و میسر و میمنه را به افراد دیگر سپرد (همایوننامه، ج ۱: بیت ۴۱۵-۴۱۰).

حفاظتی: از جمله تاکتیکهایی بوده که برای محافظت از موقعیت، مقام و سرزمین انجام میشد. بغدادیان پل دجله را قطع کردند تا ترکان نتوانند در پی آنها روند و آسیبی برسانند؛ اما سپاه تیمور با اسب از آب گذشت (تیمورنامه: بیت ۷-۳).

تاکتیک نفوذی: این تاکتیک پنهانی در حقیقت تدبیری برای آماده‌سازی و دفاع در برابر دشمن و آگاهی از احوال و شرایط دشمن بوده است. در این شیوه عده‌ای ورزیده بصورت ناشناس وارد سپاه دشمن میشدند. «زیرا با آگاهی از وضعیت و تعداد نفرات و نوع تجهیزات دشمن میتوان راه مقابله با آنها را انتخاب کرد و ضریب اطمینان پیروزی را بالا برد» (فرماندهی خداوند جنگ سپهبد فردوسی، بهارمست: ص ۱۵۹). وقتی مصعب وضعیت جنگ را به نفع خود ندانست و شکست را نزدیک دید، جوانی را با ترفند وارد سپاه مختار کرد تا سپاه او را رصد کند. او با سینی خرما و میوز وارد سپاه شد و سپس نقاط قوت و ضعفشان را شرح داد (همایوننامه، ج ۱: بیت ۲۹۹-۲۹۴). **ترس افکنی در دشمن:** ایجاد رعب و وحشت با انجام روشی زیرکانه که دشمن متوجه آن نمیشد، اما اثر رعب آور آن سبب سستی و ترس دشمن در جنگ میشد. از جمله فریبکاری، رجزخوانی و... خازمی برای مقابله با ایرانیان تدبیری اندیشید که سپاهیان بر سر نیزه‌ها آتش نهادند. سپاهیان ایرانی گمان بردند که با لشکر بیشمار

روبرو هستند و از عهده‌مقابله با آنان برنمی‌آیند. بنابراین از نبرد بازگشتند و سپاه عرب با کمین و حمله به آنان پیروز شد (ظفرنامه، ج ۱: بیت ۱۷۰-۱۶۵).

سپاه‌آرایی: از تاکتیک‌هایی محسوب می‌شود که ضمن قدرت‌نمایی می‌تواند سبب سستی دشمن در جنگ گردد. شیخ موسی در قشم برای فتح قلعه، با نظم و ترتیب سپاه را در کنار هم قرار داد (جروننامه: بیت ۱۳-۵) **مانع‌سازی:** در جنگ‌ها برای حفاظت از شهر، قلعه، حصار و باروی شهر رو شهابی بکار می‌بردند که مانع نفوذ دشمنان در آنها می‌شد. از جمله آنها حفر خندقها بود. گزنفون درباره جنگ‌های کوروش چنین گوید: «بربرها (غیر یونانیها) عادت دارند دور اردوی خود شان خندق بکنند، زیرا شبها سواره‌نظام پراکنده است و اگر دشمن ناگهان حمله کند، سواره‌ها نمیتوانند فوراً حاضر شوند، اما با بودن خندق، مختارند جنگ بکنند یا نکنند» (ایران باستان، پیرنیا: ص ۱۸). مستعین با شنیدن حمله معتز و سپاهیان‌ش دستور داد مردم اطراف حصار بغداد زمین را حفر کنند (همایون‌نامه، ج ۲: بیت ۲۵-۲۱).

مانع‌گشایی: یکی از تاکتیک‌ها گذشتن از موانع و ورود به محدوده ممنوع بود. مسلمانان با کندن نقب در زیر برج و پر کردن آن، با باروت آنجا را آتش زدند و این امر باعث شد قسمتی از برج را ویران کنند و به آن دست یابند (جروننامه: بیت ۹-۲).

تدبیرها

یکی از زاینده‌های عقل آدمی تدبیرها هستند که مجموعه‌ای از کلامها، مصلحت‌بینیها، پنهان‌کاریها، فریبها، دسیسه‌ها و خبررسانیها هستند و بشکل گروهی و انفرادی و هدفمندانه بکار بسته می‌شوند. «در سیاست هیچ خستی درمورد بکارگیری ابزارها و وسایل وجود ندارد و زندگی سیاسی به تحریکها و دسیسه‌چینیها، توطئه‌ها، فساد مالی و بهره‌برداری از خطاها فرصت میدهد» (انسان‌شناسی، ریویز: ص ۱۹۶). تدبیر یکی از پربسامدترین موتیفها محسوب می‌شود که در جنگ‌ها، پیمانها، نامه‌ها، آیینها و... به شیوه‌های مختلف و با اهداف مختلفی بکار می‌رفتند. تدبیر بر حسب شرایط و موقعیت در افراد مختلف متفاوت است و اثرات منفی و مثبت به همراه دارد. برخی از تدبیرها در کلام منعکس می‌شوند و برخی تدبیرها در واکنش فعلی افراد نمود دارند. برخی شرایط ساز و برخی زاینده شرایط هستند. در این قسمت از بحث، تدبیرها به عناوینی چون تدبیرهای بازدارنده، تدبیرهای قدرت، تدبیرهای حفاظتی، فریبکارانه و تدبیرهای تخریب‌کننده دسته‌بندی شده‌اند.

تدبیرهای بازدارنده: در حماسه‌ها مختلف هستند و تدبیرهایی هستند که بنابر مصلحت وقت اتخاذ می‌شوند یا پیشنهاد می‌شوند تا مانع از حادثه‌ای ناگوار یا موقعیتی ناخوشایند شوند. آنها بشکل هشدار، نصیحت، عهد، علاقه‌مندی و... در کلام و فعل جلوه می‌کنند و اثرگذاریهایی مثبت و منفی نیز دارند. با مطلع شدن متوکل از توطئه پسر و اطرافیانش، تصمیم گرفت آنها را بقتل برساند. فتح‌بن خاقان که از افراد قابل اعتماد متوکل بود، او را از قتل فرزند بازمیدارد و اطرافیان را در آن امر دخیل میداند (همایون‌نامه، ج ۲: بیت ۷۳-۶۹).

تدبیرهای قدرتجو: برای بیان قدرت یا برای تسلط و حکومتداری و کنترل اوضاع و افراد کاربرد داشته است. زمانی که مصریان از ظلم زنگیان دادخواهی کردند، اسکندر از ارسطو مشاوره خواست و او لشکرکشی به مصر را پیشنهاد داد که نتیجه خوبی نیز از آن حاصل شد (شرفنامه: بیت ۱۶-۱۳).

تدبیرهای حفاظتی: برای حفاظت جان و مال و سپاه و سرزمین بکار برده می‌شوند. ابونصر کندی، وزیر طغرل، وقتی وخامت اوضاع را دید، به بغداد رفت و همسر طغرل را از منطقه جنگ دور کرد. او با این کار از حریم شاه محافظت و دفاع کرد (همایوننامه، ج ۲: بیت ۲۵۳-۲۴۹).

تدبیرهای فریبکارانه: نیرنگ همان روش پنهانی و هدف‌رسان است. «نیرنگ کارآمدترین وسیله ابقاء وضعیت حکومت است و برخلاف زور که نمایان است، راهی غیرمستقیم و پریپیچ و خم برای گمراه کردن حریف و رسیدن به پیروزی است» (سیاست چیست، فروند ژولین: ص ۱۹۲). معاویه در بیعت گرفتن از مروان و ضحاک و ابن قیس برای یزید اینگونه بیان کرد که در خواب پدر آنها را دیده است که آنها را بر بیعت با یزید وصیت کرده است (همایوننامه، ج ۱: بیت ۲۸۲-۲۷۸).

تدبیرهای مخرب: تدبیرهایی آسیب‌رسان هستند که توسط یک شخص یا گروهی مخفیانه برای براندازی شخص یا گروهی استفاده می‌شود. از این جهت مخرب نامیده شده‌اند که جدالی ناعادلانه و نابرابر برای دستیابی به منافع شخصی یا قدرت علیه شخص یا اشخاص است؛ بی‌آنکه فرد یا گروه مقابل، فرصت مقابله با آن را بیابد یا حق انتخاب راهی برای مبارزه داشته باشد. مادر سلطان شاه برای تثبیت قدرت فرزندش تصمیم گرفت با تکیه از در دوستی وارد شود و سپس او را بقتل رساند (ظفرنامه، ج ۶: بیت ۹-۵).

پیمانها

یکی از موتیفهای پربسامد در حماسه‌های تاریخی موردنظر است که در سیر داستانها نیز نقش بنیادی دارد و گاه خوشایند است و گاه پیامدهای ناگواری در پی دارد. پیمان بصورت مکتوب، غیرمکتوب و شفاهی است؛ ریشه در اعتقاد و فرهنگ عامیانه مردم دارد و هر دو طرف با آگاهی از مفاد پیمان اقدام به پیمان بستن می‌کنند. پیمانهای غیرمکتوب در قیاس با پیمانهای مکتوب حجم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. «در جوامع هند و اروپایی، عهد و پیمان بعنوان اصلی مذهبی شناخته شده است. ایرانیان باستان سرزمین خود را سرزمین عهد و پیمان میدانستند» (شناخت اساطیر ایران، هنلیز: ص ۱۲۱).

در دو اثر حماسی ظفرنامه و همایوننامه، واژه بیعت در کنار پیمان وجود دارد. پیمانها به دلایل متفاوتی بسته می‌شوند و با عنوانهایی چون وفادارانه، حفاظتی، اجباری، منفعت‌طلبانه، معکوس و قاتل دسته‌بندی شده‌اند. پیمان وفاداری: این پیمان در بین اشخاص یا گروهها با پایندی طرفین بود. گاهی مکتوب و گاهی شفاهی یا قلبی بوده که افراد به آن متعهد می‌شدند. همچون رازداری، ازدواج، فرمانبرداری و... اسکندر، خاقان چین را اطمینان می‌دهد که اگر پیمانی ببندد، بر سر آن خواهد ماند (شرفنامه: بیت ۱۹-۱۵).

پیمانهای حفاظتی: این پیمانها برای محافظت از جان و سرزمین و موقعیت بین افراد یا دو سرزمین بوده است. پیمانها شامل امانخواهی، اماندهی، صلح، ازدواج و... می‌شود. پس از اظهار تسلیم خوارزمیان، تیمور دل در گرو زیبارویی از اهل خوارزم بست و وصلت در آنجا را سبب استواری پیمان صلح دانست (تیمورنامه: بیت ۱۶-۱۱). پیمان اجباری: شرایط سخت سبب می‌شود افراد یا سپاهیان به چنین پیمانی تن دهند و در پس آن نجات جان یا سرزمینی وجود دارد. پس از اینکه عبدالرحمان به هند حمله کرد، زنبیل نتوانست در مقابل قدرت او مقاومت کند پس با او صلح کرد (همایوننامه، ج ۱: بیت ۱۳-۹).

پیمانهای قدرت‌طلبانه: برای یکی از طرفین قدرت به همراه دارد. ترکان پس از آنکه مستعین پیشنهاد آنها را نپذیرفت، برای بهتر شدن اوضاع و بدست گرفتن قدرت، معتز را که خود در بند کرده بودند، آزاد و با او بیعت کردند (همایون‌نامه، ج ۲: بیت ۹-۴).

پیمانهای معکوس: پیمانهایی که بستن و شکستن آنها با فاصله کوتاهی صورت میگیرد یا ضمن فسخ اولیه آن، از گروهی به گروهی دیگر یا به شخص و اشخاصی دیگر منتقل میگردد. سلطان محمد با برادرش صلح و پس از مدتی عهدشکنی کرد و افراد زیادی را بقتل رساند (همایون‌نامه، ج ۲: بیت ۱۶۴-۱۵۹).

پیمانهای قاتل: آنها اکثراً پنهانی و با هدف از میان برداشتن شخص یا اشخاص بسته میشوند. غازان خان راز پیمان و دسیسه صدرچاوی برای قتل امیر نوروز را از زبان قطب و معین شنید و همین سبب شد غازان خان دستور قتل صدرچاوی را بدهد (غازان‌نامه: بیت ۵۰۸۵-۵۰۸۲).

پیامها

زبان مهمترین ابزار ارتباطی میان انسانهاست که با مجموعه‌ای از نشانه‌ها برای پیام‌رسانی بکار میرود. پیام به خبر یا مجموعه اطلاعاتی گفته میشود که از یک فرستنده به گیرنده، فرستاده میشود و حاوی مطالب مختلف با دلایل و انگیزه‌های مختلفی چون خبر دادن، تبریک، عذرخواهی، دعوت، تسلیت، خواهش، سرزنش، گله و شکایت، تقدیر و تحسین، بیان عقیده و درخواست، پیشنهاد، همدردی، دلجویی میباشند. آنها از نظر درجه اهمیت متفاوت هستند و به فرستنده، گیرنده و مضمون پیام بستگی دارند. برخی از آنها با اینکه کوتاه هستند، حساس و سرنوشت‌ساز هستند و با روشهایی چون نامه، پیشگویی، طالع‌بینی، خوابها و... منتقل میشوند.

نامه یکی از وسایل برقراری ارتباط بین انسانهاست. «اما سابقه نامه‌نویسی در ایران را به دوره هخامنشیان نسبت میدهند که واژه‌ها را با خط میخی بر روی پوست دباغی شده جانوران مینوشتند و بوسیله چاپار به مقصد میرساندند» (فن نامه‌نگاری در زبان فارسی، دهقان: ص ۱۸). انسان با روی آوردن به پیشگویی و طالع‌بینی در حقیقت راه‌گزینی از نادانی و غلبه بر ترسهایش را در برابر ابهامات آینده یافت. «پیشگویی را میتوان یکی از علوم بسیار قدیم و اولیه و همچنین سخن گفتن از واقعه‌ای در آینده دور یا نزدیک، بدون درنظر گرفتن واقع شدن یا نشدن آن نامید» (میرزا نیک‌نام و صرفی، ۱۳۸۱).

رؤیاهای دری بسوی مجهولات هستند و بازگشایی رمز خوابها دریست بسوی رسیدن انسان به خواسته‌هایش. «رؤیا در پندار اساطیری برزخی میان عالم شهود و عالم غیب است» (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی: ص ۵۵۴). در این بخش پیغامها در گروههایی چون پیامهای مکتوب، شفاهی، خوابها و پیشگوییها جای داده شده‌اند.

پیامهای مکتوب: نامه‌ها درحما سه‌های موردنظر در گروههایی مانند فتحنامه، درخواستنامه، تهدیدنامه، اماننامه، دعوتنامه، عزلنامه، حکمنامه قرار گرفته‌اند.

نامه پیروزی: نامه‌ای است که محتوای آن بیانگر کشورگشایی، تصرف و فتح سرزمینی است. «در فتح‌نامه‌ها متن نامه را بگونه‌ای تنظیم میکردند که حاکی از تحقق وعده الهی بر اهل طاعت بود و فتح و پیروزی را نعمت خدا میدادستند» (ا سناد و مکاتبات تاریخی ایران، نوایی: ص ۱۹۲). عماد عرب و شیخ موسی برای امام قلی نامه‌ای فرستادند و خبر پیروزی درمقابل فرنگیان را به او دادند و باعث شادی شدند (گشم‌نامه: بیت ۲۰-۱۷).

درخواستنامه: نامه‌ای که طی آن، فرستنده از گیرنده تقاضایی داشت و خواستار انجام آن میشد، همچون انتقام، بیعت و پیمانخواهی، سرکوبی خوارج، امانخواهی، یاری‌طلبی و درخواست عزل. کوفیان به امام حسین برای کینه جویی از یزید نامه نوشتند (ظفرنامه، ج ۱: بیت ۳۰-۲۵).

نامه تهدید: افراد را از عملی برحذر میداشتند. گاهی تهدید به همراه یادآوری عقاب آن بوده تا مخاطب پیام به آن توجه بیشتری کند. ابوطاهر، ابوسعید را تهدید میکند و از او میخواهد که تسلیم بشود، در غیر این صورت جانش را از دست میدهد (همایوننامه، ج ۲: بیت ۲۳۴-۲۲۸).

اماننامه: نامه‌ای است که برطبق آن، نیروی شکست‌خورده یا ضعیف، جان و مال و سرزمینشان در امان است و مورد آزار و تعرض قرار نمیگیرند و در ازای این امنیت یا خراج پرداخت میکنند یا اینکه چیزی در گرو قرار میدهند. عده‌ای از بزرگان بر حصار دامغان مسلط شده بودند و از مردم به ستم باج میگرفتند. غازان خان نامه‌ای فرستاد که اگر اطاعت پیشه کنند و حصار را ترک کنند، در امان خواهند بود. سران به نامه توجهی نکردند (غازاننامه: بیت ۱۲۷۶-۱۲۷۳).

دعوتنامه: نامه‌ای است که از افراد یا گروهها برای انجام عملی دعوت میشوند و سعی بر آن است که بنابر مصلحت طرفین باشد همچون دعوت به تسلیم و دعوت به صلح. عبدالملک مصعب را دعوت به صلح کرد و خواست که به او بگردد و در امان او باشد و صاحب مال و ثروت و حکومت برخی شهرها شود (همایوننامه، ج ۱: ص ۱۰۱).
زلنامه: نامه‌ای که محتوای آن خلع شخصی از یک موقعیت شغلی و حکومتی بود. حجاج وقتی موقعیتش را در خطر دید، به عبدالملک نامه‌ای فرستاد که یزید را از مسئولیت خلع کند و دلیلش را عدم اعتماد به آل مهلب عنوان کرد (همایوننامه، ج ۱: بیت ۱۴-۱۰).

حکم نامه‌ها: نامه‌هایی از جانب شاهان و یا خلفا بوده بر امیران یا صاحب منصبان که عهده‌دار انجام امری خطیر میشدند و کاری بزرگ به آنها تفویض میشد. نواب‌خان به سردار شیخ موسی نامه‌ای نوشت و به او دستور داد که به بنکسار لشکرکشی کند و آنجا را تسخیر کند. (گشم‌نامه: بیت ۱۳-۷).

پیامهای شفاهی: پیامها یا فقط بیان یک خبر هستند یا علاوه بر بار خبری که منتقل میکنند، مفهوم درخواست، حکم، دعوت، یا فریب را نیز به همراه دارند. آنها از طریق افراد، خوابها، نشانه‌ها منتقل میشوند. پیام خبری: جنگاوری با تجربه در مقام یک فرستاده به نزد غازانخان آمد و ضمن همدردی، خبر مرگ ارغون، پدر غازان خان را آورد. این پیام تأثرانگیز او را دچار آشفته‌حالی کرد (غازاننامه: بیت ۱۳۰۵-۱۳۰۰).

پیامهای نشانه‌ای: پیامهایی که در خوابها یا دنیای بیرونی بواسطه ابزار و نشانه‌ها بر آنها مطلع میشویم. زمانی که تورانیان به مرزهای ایران رسیدند و وارد شهر بوکان شدند، دست به قتل عام مردم زدند و زنی باتدبیر، پیامی را از طریق آتش‌افروزی برای آگاه کردن مرزداران فرستاد تا جان مردم را نجات دهد (همان: بیت ۱۲۴۵-۱۲۴۱).

پیشگویی: غازان خان قبل از لشکر کشیدن به مصر و شام از پیشگویان خواست نتیجه لشکرکشی را پیشگویی کنند و آنها گفتند که هرچند شاه نخست شکست میخورد، در نهایت پیروزی با غازان خان است و مصر و شام مسخر او میشود (همان: بیت ۶۰۷۶-۶۰۷۰).

خواب: غازان خان در پی خوابی که دید، خود را اسکندر پنداشت و نوروز را حاضر. هاتف به او گفت که نوروز از چشمه‌سار نوشیده است. او پس از بیدار شدن دانست که نوروز بیهوده کشته شده است. رؤیایی که غازان خان دید در حقیقت با وجود سروش رمزگشایی شد و تعبیر یافت (غازاننامه: بیت ۵۰۴۰-۵۰۳۰).

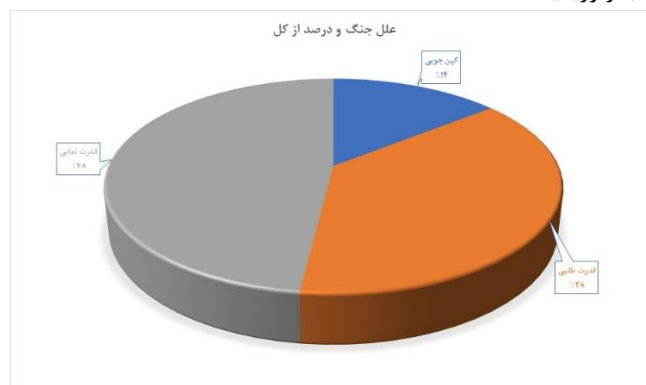
نتیجه‌گیری

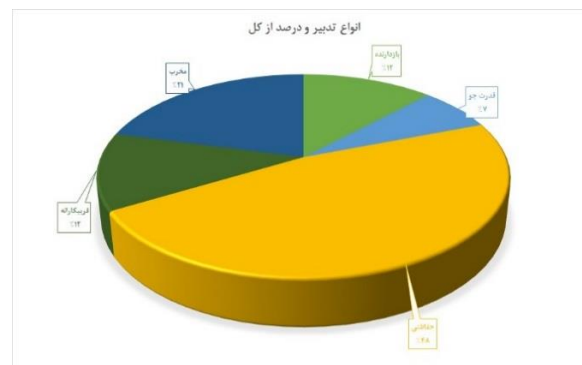
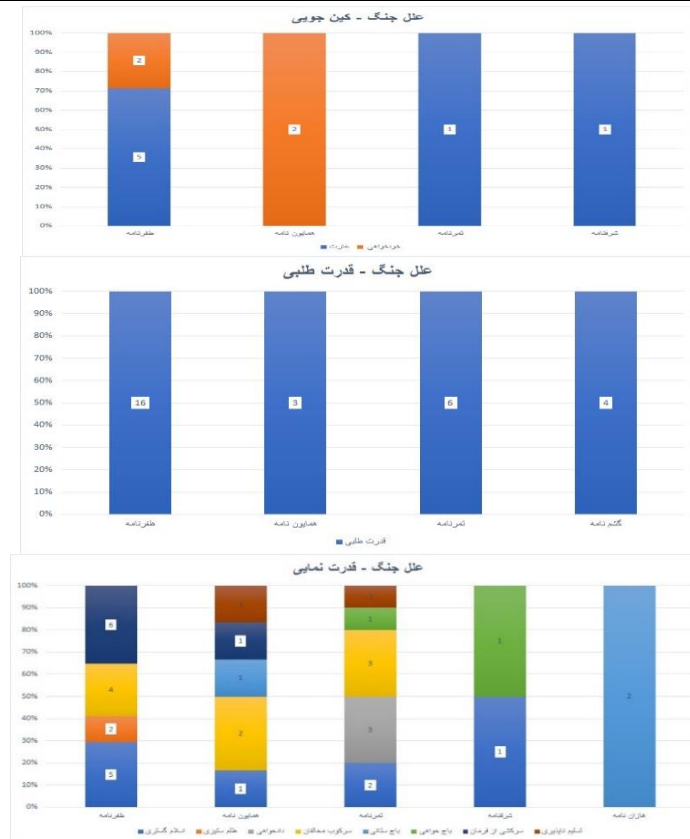
برخی جنگها برای دادخواهی و برخی برای حفاظت و دفاع انجام می‌گیرد. در *جبرونامه* و *گشمنامه* بیشتر جنگها بدلیل تعرض و تسلط‌جویی پرتقالیها اتفاق می‌افتند. جز *جنگنامه گشم*، در سایر حماسه‌ها خصوصاً *غازاننامه* کینجویی بچشم می‌خورد. غالباً جنگها با هدف کسب قدرت بیشتر، اما با ظاهری اعتقادی و اسلام‌گسترانه صورت می‌گیرد. در *غازاننامه* کمترین حدّ قدرطلبی و در *تیمورنامه* بیشترین حدّ کشورگشایی و قدرطلبی وجود دارد. نتایج جنگها در چند مورد خلاصه می‌شود: کشتار، گریز، شکست، امانخواهی، غارت، سرکوب، باجدهی و پیروزی. موتیف تدبیر در گروههای مختلفی همچون بازدارنده، قدرتجو، حفاظتی، فریبکارانه و تخریب‌کننده قرار می‌گیرد که بیشترین تدبیرها در گروه حفاظتی و به نتایجی چون صلح، گریز، پناهیایی، باج و خراجدهی، ازدواج، پیمانندی و توقف جنگ، واگذاری برخی سرزمینها ختم می‌گردد. در تدبیر فریبکارانه بیشترین هدف نجات جان یا رسیدن به قدرت با استفاده از راهی زیرکانه است، اما تدبیرهای مخرب با هدف رسیدن به قدرت برتر و با روشی مخرب و آسیب‌رسان است و با شیوه‌ای نهانی تأثیرگذار می‌شود.

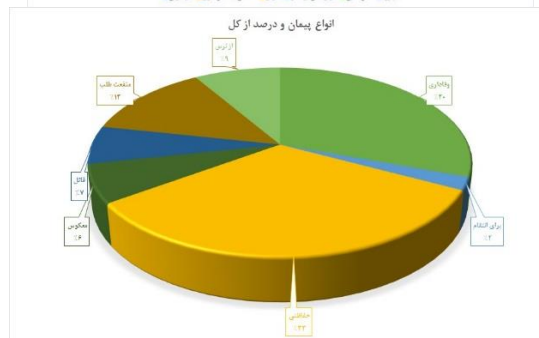
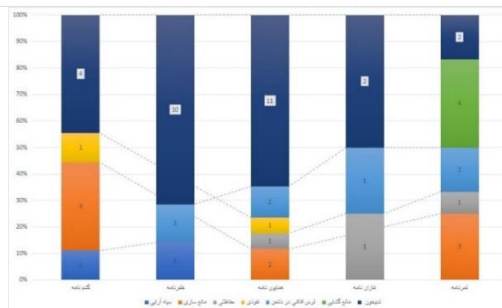
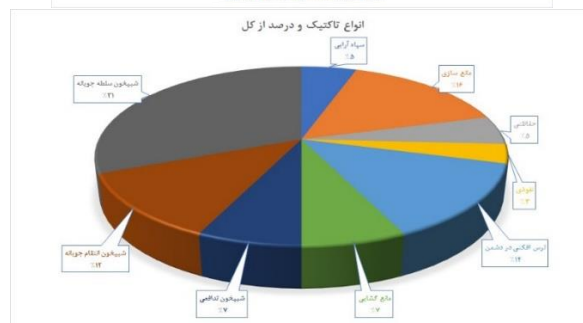
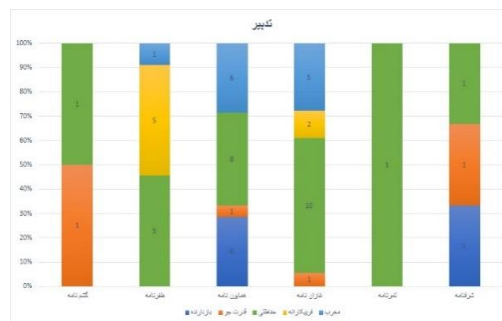
تاکتیکها به شیوه‌های مختلفی چون شیخون، سپاه‌آرایی، مانع‌گذاری، مانع‌گشایی، ترس‌افکنی و نفوذ در سپاه دشمن اعمال می‌شود. شبیخونها در *ظفرنامه* و *همایوننامه* و *گشمنامه* از نوع سلطه‌جویانه هستند، با این تفاوت که در *گشمنامه* این سلطه‌جویی از جانب متجاوزین به سرزمین ایران است. در *غازاننامه* با انگیزه نجات جان و سرکوب شورشیان است. در *شرفنامه* شیخون یافت نشد. ترس‌افکنی با شیوه‌هایی چون فریب، رجزخوانی، نام‌گویی در همه کتب موردنظر وجود دارد که بیشترین مورد آن در رجزخوانی ظاهر می‌شود.

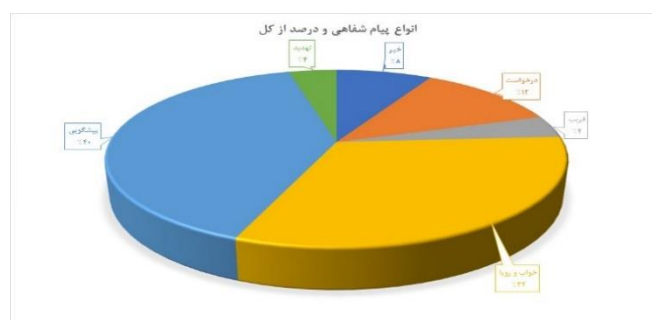
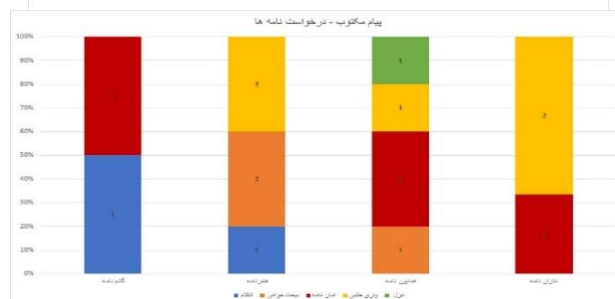
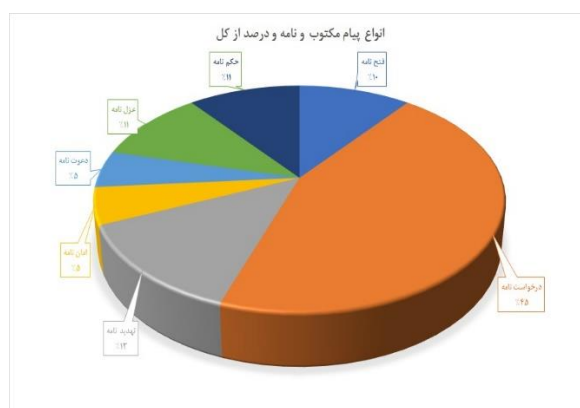
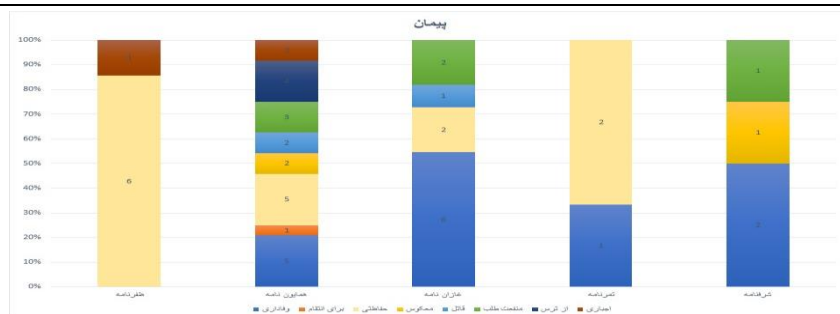
بیشترین تعداد پیمانها از نوع وفاداری و در *غازاننامه* و *همایوننامه* هستند. در *تمرنامه* و *گشمنامه* چنین پیمانی وجود نداشت. پیمانهای حفاظتی نیز در اکثر حماسه‌ها جز *گشمنامه* وجود داشت. پیمانهای حفاظتی به اشکالی چون ازدواج، فرزندسپاری، صلح، واگذاری سرزمینها، و بیعت وجود داشت.

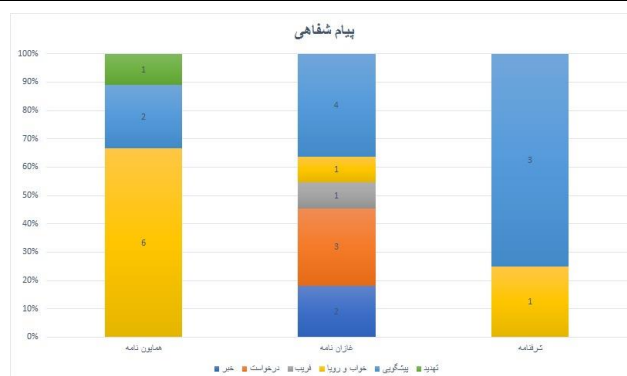
پیامها در دسته‌های مکتوب، شفاهی، پیشگویی و خواب قرار می‌گیرند. درخواست نامه‌ها با تنوع زیادی چون امانخواهی، سرکوبی شورشیان، پیمان، صلح، و یاری‌طلبی در حماسه‌های موردبحث وجود دارد. بیشترین پیامها را در *غازاننامه* شاهد هستیم با موضوعاتی چون خبر سانی، کمک‌طلبی و امان‌طلبی و بیشترین پیشگوییها در *غازاننامه* با موضوعاتی چون تخت‌نشینی، عاقبت‌بینی، و آینده‌نگری پادشاه است. خوابها با بیشترین بسامد در *همایوننامه* با پیامهای مختلفی چون طول عمر، نحوه مرگ، رمزگشایی همراه است. در *گشمنامه* هیچ موردی از پیامهای شفاهی و یا خواب و رؤیا یافت نشد.











مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه شهید باهنر کرمان استخراج شده است. آقای دکتر محمود مدبری راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مارینا مریخی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدصادق بصیری نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Baharmast, Ahmad. (1934). the command of God of War, General Ferdowsi. Second Edition, Tehran: Khayyam Publications, p. 15.
- Cuddon, j.a. (1979). A Dictionary of Literary Term, United Kingdom: Penguin Books.
- Dehghan, Ali. (2007). Correspondence in Persian, Tehran: Shayesteh, p.18.
- Ethe, Herman. (1977). History of Persian Literature, translated by Rezazadeh Shafaq, second edition, Tehran: Book Publishing, P.62.
- Fekouhi, Nasser. (1999). Political Mythology. Tehran: Ferdows, p. 4.
- Freund, Zolin. (2005). What is politics? Translated by Abdolvahab Ahmadi, Tehran: Agah, p. 192.
- Hatefi, Abdullah bin Muhammad. (1959). Tamarname.

- Henils, John. (1996). *Understanding Iranian Mythology*, translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazli, Fourth Edition, Tehran: Cheshmeh, p.12.
- Modbber, Fakhr. (1967). *The etiquette of war and courage*. Edited by Ahmad Soheili Khansari. Tehran: Iqbal, p. 298.
- Mostofi, Hamdollah. (2009). *Zafarnameh*, Edited by Mansoureh Sharifzadeh, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Navai, Abdul Hussein. (1991). *Historical documents and schools of Iran (from Timur to Shah Ismail)*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, p. 192.
- Nezami, Elias Ibn Yousef. (2002). *Sharafnameh*, Edited by Saeed Hamidian, fourth edition. Tehran: Qatreh.
- Niknam, Hossein Mirza and Sarfi, Mohammad Reza. (2002). *Prophecy in Shahnameh. Iranian Studies*, Shahid Bahonar University of Kerman, pp. 172-153.
- Nouri Ajdari, Nouredin bin Mohammad. (2001). *Ghazanneh*, edited by Mohammad Modaberi, Tehran: Dr. Mohammad Afshar Endowment Foundation.
- Payنده, Hossein. (2015). *Opening the Novel*, Third Ed, Tehran: Morvarid.
- Pirnia, Hassan. (1995). *Ancient Iran*. Tehran: Sokhan, seventh edition, p. 373.
- Qadri. (2005). *Jarunname*, Edited by Mohammad Baqer Vosoughi and Abdolrasoul Khairandish. Tehran: Written Heritage Development Center.
- Rastegar Fasaei, Mansour. (1990). *Twenty-one speeches about Shahnameh and Ferdowsi*, Shiraz: Navid, p. 61.
- Razmjoo, Hussein. (2002). *The Realm of Iranian Epic Literature*. Vol. 1, Mashhad: Institute of Humanities and Cultural Studies, p. 78.
- Riviere, Claude. (2005). *Anthropology*. Translated by Nasser Fakuhi, Tehran: Ney Publishing, p.196.
- Safa, Zabihullah. (2010). *Epic writing in Iran*, Ninth edition, Tehran: AmirKabir.
- Sarami, Ghadmali. (2009). *from the color of flowers to the suffering of thorns*. Second Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications, p. 650.
- Taghavi, Mohammad and Dehghan, Elham. (2009). *How is the motif formed? Literary Criticism Quarterly*, 2 (8), p. 26.
- Taheri, Abu Qasem. (1996). *History of Political Thought in the West*, Second Edition, Tehran: Qumes, p. 22.
- Zojaji. (2004). *Homayunname*, Corrected by Ali Pirnia. Tehran: Academy of Persian Language and Literature.

فهرست منابع

- از رنگ گل تا رنج خار، سرآمی، قدمعلی. (۱۳۸۸)، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسطوره‌شناسی سیاسی، فکوهی، ناصر. (۱۳۷۸)، تهران: فردوس.
- اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (از تیمور تا شاه اسماعیل)، نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۰). تهران: علمی و فرهنگی.
- انسان‌شناسی، ریویر، کلود. (۱۳۸۴)، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- ایران باستان، پیرنیا، حسن. (۱۳۷۴)، چاپ هفتم، تهران: سخن.
- آداب الحرب و الشجاعة، مدبر، فخر. (۱۳۴۶)، تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.
- بیست و یک گفتار درباره شاهنامه و فردوسی، رستگار فسایی، منصور، (۱۳۶۹)، شیراز: نوید.
- پیشگویی در شاهنامه، نیکنام، حسین میرزا و صرفی، محمدرضا (۱۳۸۱)، *مطالعات ایرانی*، دانشگاه شید باهنر کرمان، صص ۱۵۳-۱۷۲.

تاریخ ادبیات فارسی، اته، هرمان. (۱۳۵۶). ترجمه رضازاده شفق، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۷۵)، چاپ دوم، تهران: قومس.
 تمرنامه، هاتفی، عبدالله‌بن محمد، (۱۳۳۷) مصحح و ناشر نامشخص.
 جروننامه، قدری، (۱۳۸۴)، تصحیح محمدباقر وثوقی و عبدالرسول خیراندیش. تهران: میراث مکتوب.
 جنگنامه گشم. سراینده ناسناس، (۱۳۸۴). تصحیح محمدباقر وثوقی و عبدالرسول خیراندیش. تهران: میراث مکتوب.
 حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۹). چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
 سیاست چیست، فروند، زولین. (۱۳۸۴)، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه.
 شرفنامه، نظامی، الیاس‌بن یوسف، (۱۳۸۱)، تصحیح سعید حمیدیان. چاپ چهارم. تهران: قطره.
 شناخت اساطیر ایران، هنیلز، جان، (۱۳۷۵)، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ چهارم، تهران: چشمه.
 ظفرنامه، مستوفی، حمدالله، (۱۳۸۸). تصحیح منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 غازاننامه، نوری اژدری، نورالدین‌بن محمد، (۱۳۸۰). تصحیح محمود مدبری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار.
 فرماندهی خداوند جنگ سپهبد فردوسی، بهارمست، احمد. (۱۳۵۳)، تهران: خیام.
 فن‌نامه‌نگاری در زبان فارسی، دهقان، علی، (۱۳۸۶) تهران: شایسته.
 قلمرو ادبیات حماسی ایران، رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). ج ۱، مشهد: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 گشودن رمان، پاینده، حسین. (۱۳۹۴)، چاپ سوم، تهران: مروارید.
 موتیف چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟ تقوی، محمد و دهقان، الهام (۱۳۸۸)، فصلنامه نقد ادبی، (۸)، ۲، صص ۷-۳۱.
 همایون‌نامه، زجاجی، (۱۳۸۳). به تصحیح علی پیرنیا. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

معرفی نویسندگان

مارینا مریخی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
 (نویسنده مسئول: Email: merikhi@ens.uk.ac.ir)
محمود مدبری: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
 (Email: modaberi2001@yahoo.com)
محمدصادق بصیری: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
 (Email: basiri@uk.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Marina Marikhi: PhD student in Persian language and literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
 (Email: merikhi@ens.uk.ac.ir : Responsible author)
Mahmoud Modabberi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
 (Email: modaberi2001@yahoo.com)
Mohammad Sadegh Basiri: Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
 (Email: basiri@uk.ac.ir)